

ثل بندو فارس؛ سرنخ های آغاز شهرنشینی

گروه استان‌ها- دکتر احسان یغمایی، باستان‌شناس و سرپرست تیم کاوش در تل بندو دو فصل کاوش در تل بندو در استان فارس نشان داد سابقه زندگی به هزاره چهارم پیش از میلاد تا اوایل دوره هخامنشی و پس از آن تا سده‌های هفتم، هشتم هجری به گونه متواتر و با وقفه‌هایی چند ادامه داشته است.

تل بندو با رویه‌ای نزدیک 1/5 هکتار و بیش‌ترین بلندا نزدیک 8 متر در دامنه کوه دول بر سر جاده فهلیان به گچ ساران جای دارد. واژه دول در گویش لری به معنای شکاف‌های بزرگ و شیب دار کوه است که در زمستان آب‌های گرد آمده از آنها سرازیر می‌شوند. این رشته کوه (بلندترین قله با 1400 متر بلندا از رویه دریای آزاد) را نیز چنین ویژگی است. از کناره آنها است که دره‌های ژرف و کوهستان‌های بلند فارس آرام آرام به دشت پهن و یک دست خوزستان می‌پیوندد و تنها راه مناسب و کم خطر گذر از پوزه کوه بندو است. جاده امروزی نیز چون هزاره‌های بسیار دور ناگزیر به گذر از همین راه است و این نیست مگر جبر و پیروی از طبیعت.

این ویژگی ارزشمند سبب شده که فرهنگ مردمان پیشین تل بندو از یک سو متأثر از دشت خوزستان کهن و از دیگر سو تحت تاثیر جلگه مرو دشت باستان قرار گیرد که می‌توان این مهم را به روشنی دید و دریافت.

نتایج دو فصل کاوش این تپه و یافته‌های سطحی همه نمایانگر آن است که زندگی انسانی در تل بندو حداقل متوالیا از هزاره چهارم پیش از میلاد تا اوایل دوره هخامنشی و پس از آن تا سده‌های هفتم، هشتم هجری به گونه متواتر و با وقفه‌هایی چند ادامه داشته است.

در نخستین فصل کاوش این تپه جز بقایای بسیاری از استخوان‌های جانوران اهلی چون گاو، گوسپند، بز، الاغ و ... و وحشی چون گراز، شیر (؟) روباه، گرگ، سمور، شغال و حتی لاک‌پشت، به نمونه‌های بسیاری از سردوک‌های سفالین، سنگ‌هایی کوچک و بزرگ برای دباغی، سنگ‌های توزین، تعرفه‌های سفالین داد و ستد و خاک سپاری‌هایی از دوره ایلام نو و ایلام میانی (از 1400 پیش از میلاد تا 600 پیش از میلاد) گوشه‌هایی از بافت معماری ویژه این تپه نیز به دست آمد. ساختار معماری مردمان این تپه به گونه بلوک‌های خشتی بزرگ است که بدون ملات کنار یا روی هم چیده شده است. در این شیوه معماری که اصطلاحاً مشته یا مشتی نامیده می‌شود، زوایای اتاق‌ها هندسی است و در گوشه هر اتاق دست کم یک اجاق برای گرما و هم چنین کز دادن پوست دیده می‌شود.

سقف آنها از نی و یا حصیر است که این سادگی را شاید بتوان برای ماندگاری موقت (6 یا 7 ماه در سال) به شمار آورد.

دکتر احسان یغمایی سرپرست کاوش در سخنرانی سال گذشته خود در شیراز اشاره کرد که یا سفال نبشته‌ای دست نیافته‌ایم، اما در خاک‌های زیر و Tablet هر چند به هیچ گل نبشته رو شده و طبقات مضطرب و در هم ریخته تپه برای نخستین بار در کاوش‌های باستان‌شناسی ایران به یک شی ارزشمند دست یافتیم که به احتمال بسیار زیاد «قلم کتابت» یا قلم نگارش است. این یافته یگانه به درازای 9 سانتی متر و از سنگ آهکی خاکستری رنگ است. دو سوی آن به گونه‌ای ساخته شده که با فشار کمی روی گل نم دار خط میخی را به آسانی حک و نقر کند.

پیش از به دست آمدن این قلم کتابت «دکتر زنفوند»، «پروفسور دمرگان» و در این اواخر پروفسور کلی» سه گونه قلم کتابت پیشنهاد کرده‌اند که بسیار ساده بوده و می‌تواند از چوب نی یا فلز باشد، اما تاکنون ساختار قلم از سنگ گفته نشده است. قلم کتابت تل بندو نیز ساختاری بسیار ساده دارد. یک نوک آن کمی پهن و مثلثی شکل و نوک دیگر کمی برجسته و تیز است، به راحتی در بین انگشتان جا می‌گیرد، بدنه آن به گونه‌ای طراحی شده که می‌توان گل نبشته را سطر بندی و یا حتی نوشته را پاک کرد.

در فصل دوم کاوش با به دست آمدن یک کارگاه گسترده ساخت سفال از گونه سفال‌های

لپویی» ثل بن دو به عنوان یک مرکز ساخت و صدور سفال نیز شناخته شد»

احسان یغمایی سرپرست گروه کاوش در مورد این کارگاه می‌گوید، پیش از کاوش ثل بن دو گمان می‌شد سفال لپویی (که سفالی است سرخ رنگ و ظریف ساخت) از تپه لپویی در جلگه مرو دشت به سراسر فارس و خوزستان صادر می‌شده است

نیز بر این عقیده بوده‌اند، اما D. E. McCown و A-Langsdorff کاوشگران ثل باکون در ثل بن دو یک کارگاه بسیار پیش رفته برای ساخت این گونه سفال به دست آمد. کان به گویش محلی شکوت) در سراسر (ockre سارهای بسیار گسترده خاک اخرا یا گل اخرا دامنه و دشت کوه‌های مشرف به این تپه که در ژرفایی چندان زیاد هم نیستند به آسانی از دیرباز تا چندگاه پیش استخراج می‌شده است. در این کارگاه پس از استخراج گل اخرا آن را با سنگ‌های درشت، خرد و نرم می‌کرده‌اند (چند سنگ که هنوز از کوبیدن گل سرخ رنگ هستند به دست آمده)، سپس در کارگاه یا کارگاه‌هایی بزرگ که سوخت آن از بلوط‌های وحشی، درختچه‌های بادام کوهی، بنه، جگن، نی زارهای دور و بر و یا چشمه‌های جوشان و حوضچه‌های نفتی جاری بر سطح زمین تامین و سفالینه‌هایی بسیار خوش‌رنگ، ظریف، کاربردهای گونه‌گون ساخته و پرداخته می‌شده است. سرپرست کاوش بر این تاکید دارد که حتی با نگرش به موقعیت جغرافیایی بن دو این سفالینه‌ها تا جلگه مرو دشت و دشت خوزستان صادر می‌شده است. تاکنون در کاوش و گمانه زنی چند تپه در دشت نورآباد (تل اسپید، تپه نورآباد یا اعدامی‌ها و ...) توسط گروه باستان‌شناسان استرالیایی به سرپرستی پاتس» نه تنها کوره‌های ساخت سفال از گونه لپویی به دست نیامده، بلکه بیشتر سفالینه‌های» لپویی این تپه‌ها از دست ساخت‌های مردمان ثل بن دو است

در این فصل هم چنین بخش بسیار کمی از یک معماری خشتی بسیار منظم (شاید ارگ معبد) که به مردمان پیش از سفال اخرايي و به احتمال زیاد هم زمان با ثل باکون (نزدیک سال پیش از میلاد) است، به دست آمد که کاوش آن به سومین فصل سپرده شد 4000

دکتر احسان یغمایی که با یک صد و بیست دانشجوی باستان‌شناس دانشگاه آزاد کازرون تاکنون دو فصل کاوش در ثل بن دو را سرپرستی، هدایت و به پایان رسانیده، نتایج کلی کاوش را به گونه چکیده چنین می‌شمارد

ساختار اقتصادی - اجتماعی مردمان ثل بن دو را می‌توان به گونه یک هرم دانست که یک مثلث آن ساخت سفال از گل اخرا، با تولید انبوه و متنوع و صدور آن، دیگر مثلث آن با نگرش به استخوان‌های بسیار به دست آمده جانوران اهلی دام‌پروری، دام‌داری، تولید گوشت و فرآورده‌های دامی و مثلث سوم دباغی، چرم‌سازی و کاربرد بهینه از پوست جانوران حتی گراز (با توجه به استخوان‌های گراز به دست آمده و جگن زارهایی که تا پنجاه سال پیش هم وجود داشتند)، است

سه مثلث این هرم بر پایه موقعیت ویژه جغرافیایی و حتی منحصر به فرد ثل بن دو استوار بوده است، چه می‌توان کم و بیش آن را نقطه پایانی رشته کوه‌های زاگرس (پا تاق) جنوبی دانست

از پوزه این کوه آرام آرام کوه‌های سر بر آسمان سپرده، دره‌های ژرف، راه‌های پرپیچ و خم خطرناک پایان می‌گیرند و چشم‌انداز دل‌نشین دشت‌های یک دست سبز و راه‌های هموار آغاز می‌شود و آدمی با پشت سر گذاشتن پارس باستان، دشت دیرپای خوزستان را پیش روی گسترده می‌بیند

پارس باستان (به ویژه جلگه مرو دشت) و دشت خوزستان (به ویژه دشت سوزیانا) از هزاره‌های بسیار دور پیوندهای مشترک فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، هنری، و ... داشته و روی یکدیگر تاثیرگذار بوده‌اند. نقطه این پیوند دشت نورآباد است و راه آن به ناگزیر از کناره کوه بن دو یعنی نقطه مشترک، حساس و مرز بین این دو استان دیرپا

اینک این پرسش پیش می‌آید که چگونه ثل بن‌دو با قابلیت (پتانسیل) و توانایی‌های متوسط و شاید کم تر از متوسط خود می‌توانسته است پیوند بازرگانی با کلان شهرهایی چون شوش، هفت تپه (در دشت خوزستان) و یا تل باکون و تل ملیان (در جلگه مرو دشت) داشته باشد؟ پاسخ این پرسش به ساختار اجتماعی \_ اقتصادی ایران از دیرباز تا امروز بر می‌گردد و آن این که همواره و از هزاره‌های دور این روستاها و آبادی‌ها کوچک بوده‌اند و هستند که بزرگ شهرها و کلان شهرها را تغذیه می‌کنند. امروز جاجیم‌هایی که در دورافتاده‌ترین روستاهای نورآباد بافته می‌شود، نه تنها در شیراز و تهران، بلکه در شهرهای اروپایی (رم، فلورانس، لندن، و ...) خواستاران بسیار دارد. از این روی در ارتباط بازرگانی بین دو قطب تجاری دنیای باستان تردیدی نیست.

از آن جا که هنوز در جلگه نورآباد، روستای ثل بن‌دو امروزین و تمامی روستاها و آبادی‌های دور و نزدیک آن تیمار و مراقبت از حیوانات اهلی، گردآوری علوفه، دوشیدن شیر و هم چنین گلیم بافی و نساجی را زنان به عهده دارند \_ که این ریشه در هزاره‌های دور دارد \_ می‌توان ساختار اجتماعی بن‌دو را در این هزاره‌ها جامعه‌ای که زنان چرخ اقتصاد آن را به گردش در می‌آورده‌اند، به شمار آورد.

چنانچه این معیار ریشه دار را با جامعه دیروز بن‌دو برابر بدانیم، باید پذیرفت که در کاوش آن با یک جامعه «زن سالار» روبه‌رو هستیم.

در چنین جامعه‌ای قدرت اقتصادی در دست زنان است. بیش‌ترین سهم ثروت را آنان در اختیار دارند، خدایان زن هستند (یک نیم پیکره گلی زن نیز به دست آمده است)، فرزندان دختر ارزش بیشتری دارند و زنان می‌توانند چندین همسر اختیار کنند. در چنین جامعه‌ای اقتصاد و ثروت دست زنان است و پویایی جامعه نیز

جگن زارهایی که تا نیم سده پیش هنوز خشک نشده بودند و کهن‌سالان روستا به روشنی از آن یاد می‌کنند، نشانه‌های نی‌های سوخته (سقف و خاکسپاری)، یافته‌های استخوانی سگ‌سانان و گر به‌سانان، چهارپایان، گراز و حتی گونه‌ای از گوراسب (با تردید)، لاک پشت و استخوان‌هایی که نیاز به پژوهش بیش دارند، هر چند خطوی ناقص اما پررنگ از اکوسیستم و زیست بوم منطقه ترسیم و به دست می‌دهد.

در پایان دومین فصل کاوش بی هیچ گمان و تردید بر این باور درست هستیم که یکی از نقاط شهرنشینی ثل بن‌دو و احتمالاً دشت نورآباد است اینک در کاوش سومین فصل که پیش روی داریم، در پی آن هستیم که بدانیم آغاز شهرنشینی در این جا پیشینه‌ای کهن تر دارد یا جلگه مرو دشت و یا هم زمان و توأمان هستند؟

source:

<http://www.chn.ir/>